



گزارش تحقیقی - میدانی روزنامه شهر ونگ
درباره فروش و تزریق زیرزمینی
وددها میلیون تومانی و اکسن فایزر در تهران

برکته ادای فایزر رو در میاره

↪ یک سلبریتی در نیگه دنیا: دیدید درباره من
قضات عجلانه کردید، حالا شما هم میتونید بزنید
↪ واکنش یک کاندیدای سابق: گریه شدید
و پاره شدن بند ماسک
↪ علی مطهری: کدوم واکسن، آدم قوی تر میکنه؟
↪ توئیت انگلیسی یک مسئول:
در کشورم هرکی بخری بخواد میزنه
#ووکو-فایزر #شهر ونگ

سنگ مفت، حرف مفت!

کرامت دهان شهروندان و
سرویس ملی دهان و دندان



شهرام شهیدی
طنز نویس

سنگ اول

یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری گفته «دولت هوشمند باید نقدینگی را به سمت شفافیت ببرد» باید به این کاندیدا خاطر نشان کرد که این موضوع همیشه در تمام دولت‌ها مدنظر بوده و کار جدیدی نیست. یعنی در واقع دولت‌ها جوری نقدینگی یک خانواده را شفاف می‌کردند که دیگر چیزی پیدا نبود. اصلاً با کاری شبیه کیمیاگری، نقدینگی خانواده را در چیزی حل می‌کردند. گویی نه خانی آمده نه خانی رفته. به عبارت بهتر آنها پیرو برادر فروغ فرخزاد بودند. یادتان هست که فروغ سروده بود «برادرم، شفای باغچه را در انهدام باغچه می‌داند» دولت‌ها هم شفافیت نقدینگی را در نبود و انهدام نقدینگی می‌دانستند و می‌دانند و خواهند دانست!

امیرمسعود فلاح

خود ساختمان است و در ساختمان بغلی که افراد در سنین مختلف مجردند، رستوران بردن هم مجاز است. هیأت مدیره ساختمان ما شامل مدیر و منشی است اما ساختمان بغلی مدیر و مباشر. مدیر و منشی ساختمان ما هر دو آقا هستند و قدرت را رسماً در دست دارند هر چند در اصل، قدرت در دست خانم هایشان است. در ساختمان بغلی یک خانم ۵۵ ساله که اخیراً همسر دوامش هم درگذشته، مدیر است و یک آقای جوان مجرد و ورزشکار، مباشر. امور اجرایی برعهده آقای مباشر است و زحمت نظارت عالی به خانم مدیر. در ساختمان

ما تحت فشار قدرت پنهان خانم‌ها رفت و آمد آقایان بازپریش و زیرسلواری ممنوع است البته برای خانم‌ها نوعی آزادی افراطی در نظر گرفته شده که به هیچ وجه قابل قبول نیست، به هیچ وجه. در ساختمان بغلی، خانم مدیر ۵۵ ساله به جوانان نگاه مادرانه و پر مهر و عطوفتی دارد. مثلاً می‌خواست برای آقایان مجرد جوان و ورزشکار یک مقرری ماهانه تعیین کند که با مخالفت قاطع همسایگان دیگر خوشبختانه اجازه انجام این امر اصلاحی و مترقی و مفید به حال اجتماع را نیافت. خلاصه که ساختارها متفاوت است.

آزاد راه

ساختارهای متفاوت

مدل انتخابات و ساختار مدیریتی و میزان مسئولیت‌ها و حدود اختیارات جا با جا فرق می‌کند. مثلاً ساختمان ما و ساختمان بغلی مان را در نظر بگیرید. انتخابات هیأت مدیره در ساختمان ما با بلند کردن دست انجام می‌شود و در ساختمان بغلی با ایستادن در دو سمت مختلف محل جلسه. تبلیغات قبل از انتخابات در ساختمان ما که متأسفانه محیطش خانوادگی تر است محدود به شام و ناهار دادن در

سنگ دوم

رئیس دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفته «نیمی از سالمندان ایرانی دندان ندارند» این یک خبر خوش برای کاندیداها است. چون از قدیم گفته‌اند هر آنکس که دندان دهد نان دهد و چون آرایه خدمات دندان در شعار هیچ کاندیدایی نیست و هیچ کدامشان وعده نداده‌اند که ایرانیان و به ویژه سالمندان را صاحب دندان کنند پس وظیفه‌ای هم برای تأمین نان آنها ندارند و هزینه‌های دولت کاهش می‌یابد.

شهرنگار

کارتون‌های اولین دهه «نیویورکر» (۱۹۲۵-۱۹۳۴)

در اکتبر ۱۹۲۵، هشت ماه پس از انتشار اولین شماره مجله «نیویورکر»، «هارولد راس»، سردبیر نشریه در باره اهمیت تصویرسازی‌های آن به طنز گفته بود: «بهترین نشریه دنیا برای کسانی که خواندن بلد نیستند» این توصیف سردبیر برای کارتون‌های «بدون شرح» مورد تأیید است، لیکن در مواردی هم که از کارتون‌های «با شرح» استفاده می‌شود، زیبایی‌های تصویری کارتون‌ها چنان جذابیتی دارد که هر بیننده‌ای می‌تواند به سلیقه خود برای هر یک از آنها شرحی بنویسد. به طور مثال در موضوع «حل مشکل ترافیک» که در آن دهه مورد بحث بسیاری از محافل بود، پیشنهاد جالبی از سوی کارتونیست‌ها برای رفع این مشکل مطرح شد. از جمله: «ساخت اتومبیل‌های مثلثی»، تولید اتومبیل‌های آپارتمان‌دار، «ساخت پارکینگ روی پشت بام یا بالکن خانه» و... که مشاهده آن برای هر بیننده‌ای جذاب بود.



یحیی تدین
کارتون‌نویس

در میان کارتونیست‌های دهه اول، «پیتر آرنو» ۳ بقیه برجسته‌تر است، او نفوذ زیادی بر تحریریه داشت و ایده‌های وی که با سایه روشن‌های قوی در روی جلد و صفحات مجله به چاپ می‌رسید بر شیوه کار سایر کارتونیست‌ها نیز تأثیرگذار بود. «آرنو» این سبک را به مدت ۴۳ سال در «نیویورکر» دنبال کرد، که از نظر طول همکاری در یک نشریه، رتبه بالایی دارد. از دیگر کارتونیست‌های برجسته این دهه می‌توان از «جیمز تریر» نام برد که رویای صلح برای جهان را در سرداشت. در نقد آثار او به طنز آمده است: «چگونه کسی که طراحی نمی‌داند جرأت می‌کند به این خوبی طراحی کند؟». برای آشنایی بیشتر با هنرمندان این دهه لازم است به نام‌های دیگری نیز اشاره کرد، از جمله: «رالف بارتون»، «ویلیام استیک»، «جورج پرایس»، «ریچارد دکرا».

پی‌نوشت:

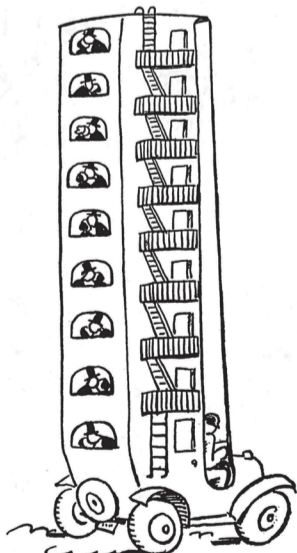
۱- New Yorker - ۲ Harold Ross - ۳ Peter Arno - ۴ James Thurber
۵- Ralph Barton - ۶ William Steig - ۷ George Price - ۸ Richard Decker

سنگ سوم

کاندیدای دیگری هم با شعار «حق مردم در جیب مردم» وارد عرصه انتخابات شده. حالا اگر شما دست می‌کنید در جیب‌تان و قبض پرداخت نشده و کاغذ اقساط پرداخت نشده توی جیب‌تان است بدانید که حق‌تان است و کم هم سرتان آمده. حالا کاندیداها برای رأی آوردن یک چیزی می‌گویند. شما که نباید خامی کنید. همیشه قبل از هر انتخاباتی شعار همین است. «حق مردم در جیب مردم» ولی خب معمولاً بعد از انتخابات شعار تغییر می‌کند به «دست ما در جیب مردم» البته فکر بد نکنید. دست‌شان در جیب مردم است تا حق مردم را در جیب‌شان بگذارند.



High Position on Wall Street



SOLVING THE TRAFFIC PROBLEM



Solving the Traffic Problem.